

بررسی تطبیقی نشریات تمدن، خورشید و کوکب دری

دکتر غلامرضا وطن دوست*، زینب زمردیان**

چکیده

مشروطیت ایران محصول بیداری افکار ایرانیانی رادمرد و دلیر بود که اکثراً مردانی شرافتمند بودند و می خواستند از وضع مساعد تاریخ برای بهروزی و پیروزی ایرانیان استفاده کنند. نهضت انقلابی در ادبیات و حیات ادبی هم تاثیر گذاشت. گروهی زیاد از شعرا و نویسندگان به آزادیخواهان و روزنامه نویسی روی آوردند و با وجود اینکه اکثریت وسایل چاپ در دست مستبدین بود ولی تبلیغات مبارزان در روزنامه ها انجام می گرفت. بعد از مشروطه و گشایش مجلس، روزنامه های فراوانی در تهران و شهرستان ها انتشار یافت. از جمله مجلس، وطن، ندای وطن، کشکول، مساوات، صبح صادق، کوکب دری، تمدن و ... که اینها با سر لوحه هایی از قرآن و سخنان بزرگان و مطالب پراکنده توأم بود. اکثریت این روزنامه ها چون باب میل حاکمان وقت نبودند معمولاً دیری نمی پائیدند و از بین می رفتند. در این مقاله سعی بر این است تا سه روزنامه تمدن، خورشید و کوکب دری را از زوایای مختلف مورد بررسی و واکاوی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: روزنامه، تمدن، کوکب دری، خورشید، آزادی، مساوات

* استاد دانشگاه شیراز

** دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب شیراز

مطالعه و تحقیق در تاریخچه روزنامه نگاری ایران و تنظیم نام و مشخصات کلیدی روزنامه های مرکز و شهرستانها که در آن روزهای پر آشوب در راه آزادی، پیکار و جانفشانی می کردند بسیار دشوار و جالب است. دوره اول انقلاب مشروطه ایران که به تشکیل اولین مجلس شورای ملی و تامین آزادی برای مطبوعات منتهی شد. در تاریخ روزنامه نگاری ایران فصل مخصوصی دارد. نه تنها مطبوعات این دوره (۱۳۲۴ - ۱۳۲۸ ق - ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ م) با مقایسه با مطبوعات اواخر قرن نوزدهم تفاوت کلی داشت. بلکه روزنامه ها و روزنامه نگاران این چند سال ایران ریشه ی مطبوعات دلیر و انقلابی سالهای بعد را تشکیل دادند(یحیی آرین پور، از صبا تا نیما، ج ۲، ص ۲۳).

افسوس که ایران دارای نهادهای اداری و فرهنگی و پژوهشی استواری نبود تا آن روزنامه ها در جایی گرد آید و از دستبرد روزگار در امان بماند و دست کم از شمار قطعی عنوانهای چاپ شده در این دوره ی پر تلاطم آگاه شویم. شاهدان آن دوره نیز یا به افزایش شمار روزنامه ها اشاره کرده و گذشته اند و یا رقم های تقریبی و صورتهای نا کامل داده اند و اگر همه ی آنها را جمع بندی کنیم به رقمی بیش از ۳۵۰ (سیصد و پنجاه) عنوان فارسی می رسیم. حال آنکه برابر تحقیقات، انتشارات تنها ۱۷۳ روزنامه یا مجله قطعی است. اگر چه از برخی از آنها نسخه ای نیز یافت نشده است. شماری از نام هایی که در صورتهای به جای مانده از آن دوران به چشم می خورد و یا شاهدان ایرانی و غیر ایرانی آن دوره آنها را ذکر کرده اند. متعلق به شب نامه ها و اعلان ها و گاه تحریفی از نام روزنامه ای دیگر است(عبدالرحیم ذاکر حسین، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ص ۴۷).

سه روزنامه مورد بررسی از روزنامه های غیر موضوعی پایتخت و شهرستان می باشند که با وجود انتشار خورشید در مشهد و دو روزنامه ی دیگر در تهران می توان گفت که هر سه روزنامه خط مشی مشابه هم دارندو همانند سایر روزنامه های روشنگرانه در این روزنامه ها نیز مفهوم قانون، آزادی، عدالت، علم، مبارزه با جهل و بی خبری، حمایت از زنان و حقوق آنها مورد توجه قرار گرفت. ایران به عنوان یک کل منسجم مورد نظر همه ی ایران دوستان این دوره بود و هر ایرانی وطن دوستی آرزوی آن را داشت. اهمیت این روزنامه ها در این است که مطالبی

که در آنها آورده شده بسیاری از آنها برای اولین بار بود که برای مردم ایران باز گو می شد. هر چند که حد و مرز این مطالب هنوز برای خود این روزنامه ها و امثال آنها مشخص نبود.

به دلیل اهمیت مطبوعات مشروطه، مخصوصاً مطبوعاتی که در ۹ ماه اول مشروطیت قبل از استبداد صغیر به وجود آمدند و نقشی که در بیداری مردم و آگاهی اذهان عمومی داشتند و برای بالا بردن و ارتقای کیفیت معارف در کشور تلاش و کوشش بسیار نموده اند، شایسته است که این مطبوعات به نحو جدی و برجسته ای مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرند. این سه روزنامه به خوبی توانستند نقش خود را در بالا بردن معارف و بیداری مردم انجام دهند این روزنامه ها با چاپ مقالات مختلف راههای پیشبرد کشور به سوی بیداری، آزادی و برابری را نشان دادند. آنها با مقایسه کشورهای اروپایی و نشان دادن راههای پیشرفت آنها سعی داشتند به مردم بیاموزند که تنها راه نجات و پیشرفت کشور در علم و وطن گرایی است. مردم کشور باید برای نجات وطن خود اتفاق پیشه کنند. با توجه به این که ناصرالدین پروین در کتاب تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان این نشریات را جزء نشریه های غیر موضوعی قرار داده است، این روزنامه ها، روزنامه هایی عام هستند که با مطالب مختلف و متنوع، خوانندگان خود را در هر جایی و از هر طبقه ای سراغ می گرفتند

هر سه این روزنامه ها دارای خط مشی اصلاح طلبانه و روشنفکرانه هستند. بنابراین از این نظر شباهتی بسیار بین آنها وجود دارد. هر چند تفاوتی جزئی از جمله اینکه لحن بیان تمدن کمی تندتر از خورشید و کوكب دری می باشد وجود دارد. این مطبوعات در ایفای نقش خود به خوبی عمل کردند، هر چند با استبداد صغیر مجبور به توقیف گشتند ولی زمینه ساز صداهای بلندتر مطبوعات در دوره های بعد شدند.

هم چنان که اکثر پیشروان مشروطه با همه شور و اشتیاقی که داشتند غالباً در درک درست اوضاع جهان و معنی درست مشروطه و نداشتن راهنمایان درست در کار خود درمانده و سرگردان بودند. اغلب روزنامه هایی که هم در این زمان به وجود آمدند هر چند هدفی جز خدمت نداشتند. غالباً راه صحیح و درست آن را نمی فهمیدند و عبارات کلی را در روزنامه های خود بیان می کردند. غالباً نویسندگان اصلاً نمی دانستند چه می نویسند و برای که می نویسند این ویژگی عام تمام روزنامه های صدر مشروطه بود. ولی آنچه به طور اخص در مورد این روزنامه ها می توان گفت این است که این سه روزنامه از روزنامه های روشنگر صدر مشروطه بودند که سر دبیر و گردانندگان آنها انسانهای وطن دوست و آزادی خواهی بودند که برای نجات وطن از چنگال استبداد تلاش می کردند بنابراین خط مشی این سه روزنامه تقریباً شبیه به هم بود. به جز اینکه خورشید به علت اینکه در مشهد انتشار می یافت و در آن شهر مخالفان مشروطه و روسها تسلط بیشتری داشتند. مجبور بود گاهی مواقع محافظه کاری را رعایت کند. این موضوع در مقابله با زبان تندتر تمدن قابل توجه است.

معرفی مختصری از این سه روزنامه و نویسندگان آنها در اینجا ضروری به نظر می رسد. ابتدا از تمدن شروع می کنیم. روزنامه تمدن با امتیازی که مظفر الدین شاه داده بود («جریده شریفه تمدن»، مجلس، ش ۴۳، سال اول). در آغاز پادشاهی محمد علی شاه به صورت هفته نامه ای خبری، سیاسی آغاز به انتشار کرد. اولین شماره ی آن در هفدهم ذی الحجه ۱۳۲۴ و آخرینش در دوم ذی الحجه ۱۳۲۹، ۱۳ بهمن ۱۲۸۵ تا چهارم آذر ۱۲۹۰ / اول فوریه ۱۹۰۷ تا ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ منتشر شد. ولی به سبب کودتای محمد علی شاه در دوره استبداد صغیر خاموش بود. تمدن را یکی از پنج روزنامه اساسی دوره ی اول مشروطیت خوانده اند (محمد طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات، ص ۱۲۳).

در شماره ی نخست این روزنامه وعده دادند که تمدن به مانند تیمس لندن و تان پاریس و الموید قاهره به صورت روزانه انتشار خواهد یافت (مجلس، ش ۲۸، سال دوم). ولی نمی توانستند به این وعده وفا کنند و به جای آن روزنامه از شماره نهم، هفته ای دو شماره منتشر شد، و از شماره ی اول سال دوم، تعداد شماره های دو هفته به چهار افزایش یافت. در شماره ی پیش از آن آمده بود که «اگر چه شالوده ی اول که ما را مد نظر بود در ترتیب جریده ی

یومیه، به واسطه ی عدم جمعیت اسباب مهیا شد، ولی تدریجاً به همان قسم که سابقاً عرض و
اخطار شده، اقدام خواهیم نمود.» (مدبر الممالک هرندی، تمدن، ش ۸، سال اول).

تمدن در شماره ۸۰ در مطلبی تحت عنوان «خاتمه» به ذکر این مساله پرداخت که به دلیل
عدم آمادگی و نداشتن امکانات، انتشار تمدن یومیه را به تاخیر انداخته و سال دوم فعالیت نیز
در چار چوب تمدن هفتگی خواهد بود. سپس محورهای اصلی مباحث و موضوعاتی را که قرار
بود در شماره سال دوم منتشر شود ذکر نمود (ناصرالدین پروین، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و
دیگر پارسی نویسان، ج ۱، ص ۵۶۲). با بالا گرفتن اختلاف های شاه و ملت، در این دوره تنها
چهار شماره از تمدن منتشر شد که آخرین آنها تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۶ را داراست.

چهار ماه بعد در اول رمضان ۱۳۲۶ یک شماره از تمدن در کلکته و از ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۷
یک یا دو شماره دو رشت منتشر شد (همان). پس از فتح تهران، مدبر الممالک به تهران آمد و
نخستین شماره سال چهارم نشریه را روز سه شنبه ۱۷ شوال ۱۳۲۸ در تهران منتشر ساخت.
نشریه تمدن تا (۱۳۲۷ ق / ۱۹۱۱ م) منتشر شد. سرانجام مدبر الممالک هرندی روز دوشنبه ۱
صفر ۱۳۲۷ در تهران در گذشت (صدر هاشمی، همان، ص ۱۳۵).

صاحب امتیاز و سردبیر تمدن میرزا رضا خان مدبر الممالک هرندی مسئول چاپ روزنامه ها در
چاپخانه خورشید (مجلس) بود. وی افزون بر تمدن، دیوان عدالت و ایران کنونی را منتشر
ساخته و در پایان زندگی کوتاهش، مدیریت روزنامه رسمی دولت ایران را بر عهده داشته
است (پروین، همان).

در مورد محتوا و مسلک نشریه تمدن که خود را «آئینه عیب نمای ملی» می دانست. هدف و
راه و مسلک خود را ارائه طریق صلاح و فلاح و استحکام اساس مساوات و حریت می دانست.
تمدن موضوعات و مسائل فراوانی را مورد توجه قرار داد. نشریه در بحث در رابطه بیان
مشروطیت و اسلام معتقد است که اساس مشروطیت در اسلام است. نشریه تمدن اساس و
بنیاد مشروطیت را در تلاش برای آبادانی، استقلال اقتصادی کشور می دانست و برای تداوم و
استقرار اساس جدید بذل جان، مساوات نوعی و مسئولیت نوعی را ضروری می دانست (تمدن،
ش ۱۸، ص ۳). مدبر الممالک نقایص مشروطیت را در جهل و ناآگاهی مردم و نیز نسپردن کار
به اهلش می داند. اما این دیدگاه را که هیجان و ملت، بی موقع و شایسته چنین مقامی نبودند

مورد انتقاد قرار داده و رد می کند و دلایلی را برای استحقاق عنصر ایرانی برای کسب مشروطیت ذکر می کند(همان، ش ۴۳، ص ۱). تمدن در مقالات و یادداشت های متعدد از مجلسیان می خواست که به جای توجه به امور جزئی، قانون گذاری و تنظیم دستور العملهای مختلف را برای سامان دارن به کارها پیش گیرد(همان، ش ۲، ص ۴). از مرتضی قلی خان صنیع الدوله، رئیس مجلس، انتقادی نمود که نظم مجلس را بر قرار نکرده است. تمدن هم چنین به رابطه ی میان دولت و دربار و مجلس پرداخته است و اساس حیات هر کشوری را در رابطه ی صمیمی و دوستانه میان دولت و ملت دانسته و اختلاف میان آنها را تلاطم مهیب می داند. نشریه تمدن به رفتار و رویه دولت و وزیران دقت می کرد و نقایص کارشان را متذکر می شد(همان، ش ۴۹، ص ۲). تمدن به مسائل زنان هم توجه داشت و مقاله هایی در دفاع از آنها و لزوم توجه به آموزش و تعلیم آنها ذکر می کرد. حتی در مساله فروش دختران قوچان، غلامرضا خان آصف اسوله را نقد کرده و او را از متهمان پرونده شمرده است. تمدن توجه گسترده ای به طبقات اجتماعی داشت. هم چنین به وضعیت دهقانان توجه داشت مسائل اقتصادی و از رابطه استقلال اقتصادی و سیاسی آگاهی بسنده ای داشت و ثروت و مکنت هر کشوری را اساس کشور می دانست. از این رو بر ترویج صنایع وطنی پای می فشرد و از مردم می خواست به جای مصرف کالاهای فرنگی و هدر دادن ثروت کشور به مصنوعات داخل اکتفا کنند(همان، ش ۷۴، صص ۲ - ۱).

تمدن از تحولات بین الملل آگاه بود و دلایل تسلط اروپائیان بر آسیائیان را در فقدان هم و باور در خرافات در میان ملل آسیایی، فقدان پادشاه عادل و برخی علل دیگر دانست. تمدن در مورد علم و جهل و بی خبری مردم و اعزام محصل و استخدام مستشار نیز مقاله هایی منتشر کرد. تمدن در کنار این مسائل هم چنین به ذکر اخبار و رویدادهای ایالات و ولایات، شکوائیه های مردم، معضلات اداره ی قزاقخانه، مسائل شهرها و فعالیت انجمن ها پرداخت. این نشریه در شماره های متعدد خود به ذکر و داستانی تحت عنوان «حمام جنیان» از زبان پدری آگاه به مسائل جدید و پسری مشتاق به دانستن مسائل جدید پرداخت و در آن به داستان مسائل متعددی از فرهنگ، آموزش، بهداشت و اعتقادات کهن را به نقد کشید(تمدن، ش ۷۷، ص ۷۸).

ناظم الاسلام کرمانی، با نزدیک شدن، دوره ی مشروطیت و بلند شدن زرمه ی آزادی، به روزنامه نویسی روی آورد(یحیی آرین پور، همان، ص ۱۱۸). روزنامه کوکب دری به صورت هفتگی آغاز به انتشار کرد و در عمل انتشارش نامرتب بود. آخرین شماره موجود این روزنامه

شماره سیزدهم سال چهارم است (پروین، همان، ص ۵۱۴). میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی، مدیر کوکب دری، داستان پیدایی این روزنامه را در تاریخ بیداری ایرانیان خود شرح داده است. انجمن مخفی که ناظم الاسلام در آن عضویت داشت، انتشار مجدد نوروز را بر وی تکلیف کرد و او پس از مدتی پذیرفت و قرار شد نام روزنامه کوکب دری باشد. با این حال، ناشر، روزنامه‌ی جدید خود را به دو گونه‌ی جانشین نوروز معرفی کرد. افزودن نوروز به خط ریز در بالای نام کوکب دری، و در سر لوحه آغاز کردن روزنامه اخیر به عنوان سال سال سوم، بنابراین سالهای اول و دوم کوکب دری، همان دوره‌ی انتشار نوروز است.

درباره‌ی محتویات و درون مایه و خط مشی روزنامه‌ی کوکب دری باید گفت که این روزنامه همانند تمدن، خط مشی روشنگرانه داشته و سعی داشته که همانند دیگر روزنامه‌های مورد بحث از مسائل و مشکلات روز برای مردم بنویسد. یکی از کارهایی که در این روزنامه صورت گرفته است. معرفی شخصیت‌های مهم تاریخی و کسانی که در انقلاب مشروطه سهم داشتند مثل سید محمد طباطبایی، میرزا محمد صادق طباطبایی، ناظم الاسلام کرمانی، با عکس و توصیف که در هر شماره‌ای یکی از این اشخاص برجسته را معرفی می‌کند و ذیل عکس وی توضیحاتی را می‌دهد. دیگر نکته مهم در این روزنامه نوشتن یادداشت کتاب تاریخ ظهور تمدن و بیداری ایرانیان است که تقریباً در تمام شماره‌های این نشریه این مطالب موجود است (کوکب، سال اول، ش ۱ و ۲ و ۳، ص ۷).

از مسائل مهم درج شده در کوکب، حمایت از علم و دانش (همان، ش ۱، ص ۸، ش ۶ - ۴) و تشویق مردم به سواد آموزی و ضرورت برتری ایرانیان بر دیگر کشورها در صورت استفاده از مصالح و مقتضیات خود است کوکب مثل دیگر روزنامه‌های این دوره (تمدن، خورشید) به زنان (کوکب، ش ۷، ص ۶، ش ۳۹، صص ۳ - ۱) و وضعیت آنان توجهی در خور داشت و سعی در نوشتن و نشر مقالاتی در این باره داشت.

وطن گرایی و حس ناسیونالیستی (همان، ش ۲، ص ۴، ش ۱، ص ۱۲)، قانون مند کردن جامعه (همان، ش ۴۴، ص ۴) و اینکه برتری کشورهای اروپایی در قانون مند بودن آنهاست. نکاتی در مورد آزادی و حد و مرزهای آن از جمله نکات مندرج در این نشریه است. محتوای روزنامه‌ی کوکب را در بعضی شماره‌ها قانون‌های الهی تشکیل می‌داد. از جمله حدود اسلام، مکتوب‌های شهری، اخطارها، تشکرها، اعلان‌ها و لایحه‌هایی که از شهرستان‌های مختلف به

تهران می آمد. از دیگر مطالب این روزنامه می باشد. همچنین در بعضی از شماره های این نشریه مطلبی تحت عنوان «برنا و پیر» (همان، ش ۳، ص ۱) آمده است که نویسنده سعی دارد که خرافات و جهل را از طریق برنا به پیر بشناساند. کوکب به مسائل زنان توجه بسیاری داشت.

روزنامه خورشید از بیست و یکم محرم ۱۳۲۵ تا آخر ربیع الاول ۱۳۲۶ منتشر شد و پس از استبداد صغیر تا اواسط ۱۳۲۹ به انتشار خود ادامه داد (پروین، همان، ص ۸). صاحب امتیاز و نگارنده خورشید، محمد صادق تبریزی، ناظم پست خانه خراسان بود. ده شماره نخست این روزنامه به صورت هفتگی توزیع می شد و از آن پس تا سال چهارم هفته ای ۴ شماره، در ماههای آخر که هفته ای دو شماره به چاپ رسید. به گزارش روزنامه های پایتخت، خورشید و مدیر آن پیش از کودتای محمد علی شاه با خشم و خروش استبدادیان روبه رو شدند. حبل المتین تهران نوشت «جمعی از حشرات و رجاله، به خانه معزی الیه ریخته، پیرمرد بیچاره را با نهایت وحشی گری و رذالت به انجمن همت، یعنی مجمع شرارت و جنایت برده و از هر گونه رذالت فرو گذاری نمی نمایند.» (حبل المتین، تهران، ش ۴۷، سال ۲، ص ۴).

همانند اغلب دلسوزان و دردمندان کشور، محمد صادق تبریزی نیز از پراکندگی ملت رنج می برد و آرزوی اتحاد و اتفاق مسلمین، رشد اقتصادی کشور و ارتقای سطح فرهنگ عمومی را داشت. بنابراین در همین شماره نخست روزنامه خورشید ضمن درخواست یاری از صاحبان قلم و اندیشه، تاکید می کرد که باید اوراق این روزنامه برای درج مقالات مفید در اتحاد و اتفاق مسلمین و ترقی و نجات و صنعت و نشر معارف و تأسیس مدارس و انعقاد شرکت ها و غیره، آنچه داعی به ترتیب و ترقی باشد باز بماند (خورشید، مقدمه). گفتنی است روزنامه خورشید تا شماره ششم به صورت سنگی چاپ می شد ولی از شماره ششم به صورت سربی چاپ شد (همان).

<

تسلط روز افزون روسها بر مشهد در قیاس با بسیاری از شهرهای کشور، مخالفت شمار زیادی از علمای مشهد با مشروطیت که همین مخالفت هم به تاخیر انتخاب وکلای این شهر انجامید. هم چنین قلت اقتدار طرفداران مشروطه در خراسان، مهمترین عواملی بودند که باعث می شد تا محمد صادق تبریزی علی رغم اعتقاد به ترویج اندیشه های مشروطه خواهی گاه به اتخاذ سیاست محافظه کارانه روی آورد. «محمد صادق تبریزی گرچه در چنین فضایی بسته و متصلب کوشید تا با چاپ تلگراف از آخوند خراسانی در حمایت از مشروطیت، علما و مردم این

شهر را به طرفداری از مشروطیت سوق دهد و اندکی شرایط اختناق در خراسان را به سود مشروطه خواهان دگرگون سازد، ولی کوشش های وی به دلیل اقتدار مستبدین و علمای مخالف مشروطه این شهر سرانجام مطلوبی به دنبال نداشت. محافظه کاری چشم گیری محمد صادق تبریزی و پرهیز از ذکر نام و نشان اشخاص معروف و صاحب نفوذ خراسانی که با مشروطیت همراهی نداشتند. هم چنین اجتناب وی از چاپ نام و نشان دقیق اعضای انجمن ایالتی خراسان به وضوح از اقتدار مستبدین در این شهر و تنگناهای اصحاب مطبوعات در مشهد حکایت می کند.» (همان). تنگناهای محمد صادق تبریزی برای درج تمام اخبار و رویدادها، آن هم بدون ملاحظه و دغدغه ی جدی از صاحبان قدرت و شوکت گاه تا بدان حد بود که وی ناگزیر می شد تا از زبان منتقدین خود به بیان محافظه کاری های خویش در حذف مضامین برخی از تلگراف ها و یا طفره رفتن از چاپ تعدادی از آنها مبادرت کند.

اگر چه پس از خاتمه دوره استبداد صغیر محمد صادق تبریزی بار دیگر به انتشار خورشید همت گماشت و بر حسب اطلاعات پراکنده، این روزنامه تا اوایل سال (۱۳۳۰ ق / ۱۹۱۱ م) به حیات خود ادامه داد. اما به دلیل آنکه از شماره های دوره ی دوم روزنامه خورشید، جز چند شماره در دست نیست، بنابراین به درستی نمی توان درباره ی سر گذشت این روزنامه در عصر مشروطه دوم سخن گفت.

خورشید همانند تمدن و کوکب بررسی مسائل اصلی کشور در زمان مشروطه را هدف اصلی خود قرار داده بود مسائلی از قبیل راههای پیشرفت اقتصادی کشور که خورشید راه حل هایی را در این زمینه ارائه می داد. در برتری علم و دانش (خورشید، سال اول، ش ۱ و ۲ و ۳) و مبارزه با خرافات و بی خبری (همان، ش ۳، ص ۱) و نیز خورشید معتقد بود که علت برتری و تفوق اروپائیان فقط در علم و دانش آنهاست. هم چنین در بعضی از شماره های خود مانند (۲ و ۳ و ۴) سعی کرد نظامنامه قانون اساسی را برای مردم بنویسد و مردم را با قانون آشنا کند. بررسی اخبار داخلی و خارجی، مکتوبهای شهری، اخبارها و حتی بعضی مواقع اخبار شهرستان ها را درج کند. درج تلگراف از شهرستانهای مختلف و هم چنین نوشتن داستانی به نام (قصبچه زود آباد) در شماره های ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ... نیز مورد نظر خورشید بوده است. خورشید به مسائل زنان و دختران قوچان بی اعتنا نبود و بارها این مسأله را در شماره های مختلف خود درج کرد (همان، ش ۳، ص ۴).

دیدگاه‌های روزنامه‌های کوکب درّی، تمدن، خورشید

روزنامه‌های مورد بحث (تمدن، خورشید، کوکب درّی) در زمینه مسائل مختلفی اشتراک نظر داشتند ولی آنچه به طور قطعی می‌توان اظهار کرد. خط مشی یکسان این روزنامه‌ها در مورد مسائلی چون وطن‌گرایی، آزادی، قانون، تعلیم و تربیت نوین، لزوم علم و دانش در جامعه و زنان و حقوق آنها بود.

هدف از استقرار مشروطیت اجرای قانون در کشور بود و سعی تمام مشروطه خواهان این بود که کشور براساس قانون مصوب مجلس اداره شود. همچنین آزادی که مفهوم جدیدی است که در این دوره مردم با آن روبرو می‌شوند. منظور آن است که مردم علاوه بر آزادی‌های شخصی از نظر حقوقی نیز آزادی‌هایی دارند. باز تاب این اندیشه‌ها در روزنامه‌های مورد بحث قابل تأمل است. آنها خود به خود سعی داشتند. برای اولین بار این مفاهیم را به شکلی ساده برای عوام الناس توضیح دهند.

برای درک بیشتر این موضوع در روزنامه‌های مورد بحث نمونه‌هایی آورده می‌شود. «این قدر باید دانست امروز بدون ریب و تردید می‌توان گفت که دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب قانون اساسی است پس بر ذمه کلیه افراد ایرانی است که یک نسخه از این اوراق مقدسه را با خود داشته و همه روزه مطالعه او را برای خود از اعمال لازمه یومیه دانسته در اصول و مواد او تدبر و تفکر نموده؛ اجراء تمام فصول او را فریضه ایرانییت و اسلامیت خود بدانند.» (محمد صادق تبریزی، «قانون اساسی»، خورشید، سال اول، ش ۶۰، ص ۲).

«امروز صلاح دولت و ملت را قانون می‌نماید تا ما صاحب قانون نباشیم و تا در مملکت قانون نباشد ظلم و تعدی برداشته نمی‌شود. بدبختی از بی قانونی است امروزه تمام دول و ملل روی زمین حتی وحشیان آفریقا قانونی دارند و عمل به قانون می‌کنند.» (ناظم الاسلام کرمانی، «تاریخ ظهور تمدن و بیداری ایرانیان»، کوکب، سال اول، ش ۹، ص ۸).

«برای دولت هم قانون و دستور العملی که عقلا و دانشمندان بنویسند لازم است وزرا باید تکلیفشان معلوم باشد، حکام باید حدودشان محفوظ باشد.» (همان).

«شما و حاکم در متابعت قانون مساوی هستید. فقط او به موجب قانون معین بدون تغییر و تبدیل حاکم است و شما محکوم ... هر چه را قانون حکم کند شما و او هر دو مطیع و فرمان بردارید.» (مدبر الممالک هرنندی، «قانون»، سال اول، ش ۶، ص ۲).

«حالا باید دانست که افراد یک ملت نجیب قانونی تا چه درجه بر یکدیگر می توانند تحکم نمایند. یک نفر حاکم تا چه پایه بر قسمت حکمرانیش تحکم داشته باشد. به جای یک تومان حق قانونی اگر صد تومان بگیرد کافی است. به جای یک خریدار غله مالیاتی اگر تمام مایملک یک نفر را تصاحب کند بس است.» (ناظم الاسلام کرمانی، «گذشت مردانه»، کوکب، سال اول، ش ۲۸، ص ۲).

«چرا در قرنی که حتی وحشیان عالم به تساوی دارای حق شده اند به طوری که به زندگانی و معیشت خانواده بشری کفایت می کنند همان طور حقوق خود را در خانوادگی ثابت نموده، مسترد داشته اند، چه جهت دارد با وجود قدمت تمدن حقوق آسیائیان عموماً و ما ایرانیان خصوصاً در خارجه به تساوی مراعات نگردد. در خصوص بشریت میان ما و دیگران تفاوت گذاشته شود و ...» (مدبر الممالک هرنندی، «صورت لایحه از طرف اداره به جرائد اروپا ارسال شده»، تمدن، سال اول، ش ۶۷، ص ۲).

«... قوه جان مدنیت و فرمان آزادی ملت و یرلیغ مشروطیت سلطنت است. قانون اساسی آسایش نوع بشر و آبادی هر کشور را اولین وسیله ای ترقی هر ملت و اقتدار هر دولتی را نخستین واسطه است. قانون اساسی است که تمام موجبات ترقی و تمدن و کلیه ی لوازم تعالی و تدین را برای هر قومی که دارای او باشد دعوت و جلب می کند. قانون اساسی بندگان خدا را از قید رقیت و عبودیت غیر خدا خلاص و آزاد کرده، حقوق و حدود را معین داشته، دست تعدی و تجاوز ستمکاران جبار و ظالمان ستمکار را از سر بینوایان کوتاه می کند.» (محمد صادق تبریزی، «قانون اساسی روح حیات ملیت»، خورشید، سال اول، ش ۶۰، ص ۱).

به اعتقاد روزنامه های مورد بحث ما در میان نعمت هایی که خداوند به انسان عطا فرموده است اولین نعمت همان نعمت حیات و صحت و عقل و دانش است و حاصل آن علم و دین و شکر آن عمل و عبادت است و بعد بزرگترین نعمت حریت و آزادی است و شکر نعمت آزادی عمل

کردن به تکالیف حریت(همان، «شکر نعمت، نعمت افزون کند،» خورشید، سال اول، ش ۲، صص ۳ - ۲).

از جمله آزادی‌هایی که مد نظر مشروطه خواهان و روزنامه های این دوره بود همان آزادی عقیده و قلم و بیان بود که خورشید در مقاله ای تحت عنوان «ساده گوین» سعی دارد آزادی قلم را برای مردم توضیح دهد. به اعتقاد او آزادی قلم این نیست که ما به هر کس بد بگوئیم و تهمت بزنیم و یا در امور شخصی او دخالت کنیم. به عقیده خورشید این گونه مسائل ربطی به روزنامه نویس ندارد. او می گوید اولین فصلی که در آزادی جرئت باید رعایت شود این خواهد بود که وقایع نگاران باید از ذکر کردن مطالبی که به شرف و ناموس اشخاص مشخصی بر می خورد اجتناب کنند(همان، «مقاله ساده گوین»، خورشید، سال اول، ش ۱۴، ص ۷).

به نظر کوکب ترقی و پیشرفت انسانها از آزادی پیدا می شود و در تعریف آزادی، آزادی را آزادی افکار، آزادی قلم و ... می داند. و در تعریف آزادی افکار معتقد است که آزادی افکار نباید با حقوق عمومی متناقض باشد(ناظم الاسلام کرمانی، «چه باید کرد»، کوکب، سال اول، ش ۲، ص ۷). تمدن هم همچنین با دو روزنامه دیگر هم عقیده است که در آن چیزی که مخل آسایش مردم و جامعه نباشد، عقیده آزاد است و همچنین معتقد است که:

«که به علت اشتراک افراد بشر در حقوق و مشارکت آنان را در مورد مشترکه که اقتضای آن است که هر یک را هر چه اقرب و انسب به صواب و صلاح بداند اظهار نماید.» (مدبر الممالک هرندی، «عقیده آزاد امت»، تمدن، سال اول، ش ۴۰، ص ۱).

هم چنین او می گوید که: «تمامی بدبختی های ما انسانها ناشی از ظلم و جور بوده است. اکنون بایست که با تیشه ی عدالت ریشه ی این درخت منحوس را از بیخ و بن برکند و سوزاند و خاکسترش را چنان بر باد داد که اثری از آثار آن در این ملک باقی نماند.» (همان، «آزادی»، تمدن، سال اول، ش ۴، ص ۳).

به عقیده خورشید آزادی یک تنخواه روحانی بود که افراد ساکن ایران به تدریج جمع کردند در خزانه ای که ملت نام داشت انباشته کردند و مشترکاً با آن تنخواه تجارت می نمودند. نقود این تنخواه عبارت بود از طلای صحیح العیار شرف و معرفت و نقره مسکوک ناموس و ادب، این تنخواه مقدس بود. کسی در او حیف و میل نمی کرد، خیانت نمی کرد و اگر کسی قصد چنین

کاری داشت او را مانع می شدند و منابع افتخار این ثروت راجع به همه مردم بود(محمد صادق تبریزی، «مقاله طالبوف،» خورشید، سال اول، ش ۴۱، ص ۴).

این روزنامه ها معتقد بودند که مهمترین دلیل عقب ماندگی ایرانیان در جهل و نادانی است. این روزنامه ها مردم را آگاه می کردند که با تحصیل علم و دانش و ترتیب دانش آموزان می توان به جامعه و کشور خدمت کرد. به اعتقاد این روزنامه ها برتری کشورهای اروپایی فقط در علم و دانش و استفاده آنها از منابع خدادادی کشورشان بود. آنها می گفتند که مردم ایران باید استعداد های کشور خود را بشناسند و از آنها به نحو صحیح در جهت ارتقای کشور بهره گیرند.

تعریف علم به طور عمده و فواید علم و دانش در این روزنامه ها مشهود است. به اعتقاد کوکب علم از بدیهات اولیه است و نتیجه ی تجربه ی مردمان دانا بوده که عمری زحمت کشیده اند و امتیاز نیک و بد داده اند(ناظم الاسلام کرمانی، «راس الفضائل علم»، کوکب، سال سوم، ش ۹، ص ۶).

«انسان و حیوان را در اعمال زندگانی شباهتی تام است و در افعال طبیعی متناسب، چنانچه در خوردن و خفتن و خلقت و طبیعت و زاد و ولد و جنگ و جدل با یکدیگر و ... اگر مدار انسانیت با چنین اسلوب گذشتی و زندگانی توانستی و مقصود از آفرینش این گونه تعیش بودی هرگز پیغمبری موجود نشد و نبیی مبعوث نگشتی و کسی امتیاز نیک از بد و زشت از زیبا ندادی.» (همان، ش ۱، ص ۳).

تمدن نیز در این زمینه معتقد است که امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده و پنهان نیست که ما ملت ایران جهت اصلاح مفاسد و معایب داخلی و ترقی و پیشرفت مملکت به معارف جدید و توسعه علم و اخذ آن از کشورهای دیگر محتاج می باشیم و به جز این راه مسیر دیگری نیست که بتواند ما را وارد جاده تمدن کند(مدبر الممالک هرندی، «مرقوم یکی از وطن خواهان»، تمدن، سال اول، ش ۷۳، ص ۱).

کوکب هم چنین علت همه ی عقب ماندگی های ملت ایران را ناشی از جهل و بی علمی می داند و گرنه هیچ کس نیست که در این زمانه سرعت راه آهن، کارخانجات متعدد، الکترونیک، دیگ بخار و ... را برای بشریت مضر بدانند. در حالی که تمام این صنایع اختراعات اروپائیان است و ما ایرانیان که به دیده ی اعجاب به آنها نگاه می کنیم، باید بدانیم که آنها از جنس ما

هستند؛ همین عقل و شعور و ذکاوت ما را دارند، با خداوند فامیل نبودند، پیغمبرشان از ما افضل تر نبود، به جز اینکه آنها علم را پیشه قرار دادند. اغراض شخصی را کنار گذاشتند، همه با هم به اتفاق برای آبادی وطن خود تلاش کردند(ناظم الاسلام کرمانی، «انسان کامل»، کوکب، سال سوم، ش ۷، ص ۳).

تمدن در مورد بی توجهی و بی اهمیتی به علم در ایران و اینکه هنوز قدر علم و دانش در ایران به جز برای عده ای معدود شناخته شده نیست. می نویسد: «در ایران تا کنون علم شرط وزارت نیست، بلکه وزارت شرط علم است، هنوز در ارجاع هیچ امری لیاقت علمی ملحوظ نگردیده.» (مدیر الممالک هرندی، «تمدن»، تمدن، سال اول، ش ۷۳، ص ۲).

او هم چنین مانند کوکب برتری اروپائیان و علت العلل عزت آنها و غلبه آنها را بر جهان در تصفیه حس و تنزیه مغز می داند و علت بدبختی و رقت آسائیان فقط خرافات کله و کثافات مغز می داند. او مایه سعادت و ارتقا بشری را عقل می داند و .. (همان، «علت بدبختی آسائیان و تفرق اروپائیان»، تمدن، سال اول، ش ۶۶، ص ۱) و همچنین در شماره ای ضمن بر شمرده فضیلت های عقلانی و لزوم علم و تحصیل برای همه به خصوص برای جوانان مملکت یک نتیجه بسیار مهم از گفته های خود بر می گیرد و می نویسد:

«فایده ی اصلی این است که همین که جوانان ما دیدند وزرا از پارلمان انتخاب می شوند و ریش و قطر شکم، کالسکه و درشکه شرط وزارت نیست و وزارت ارث نسل بعد نسل نمی باشد، عقل و علم سرمایه ی این کار است، به هر وسیله که باشد خود را به مقام لیاقت و وزارت می رسانند.» (همان، «تفکیک قوا»، تمدن، سال اول، ش ۷۱، ص ۲).

هم چنین تمدن همه را سرزنش می کند که از بی معلمی است که ثروت خود، سرزمین خود، معادن خود و ... را به اجنبی ها واگذار کرده ایم و ریزه خوار سفره دیگران شده ایم. خودمان را مقروض کرده ایم، لباسهای خارجی می پوشیم و ... (همان، «محاکمه وجدان»، تمدن، سال اول، ش ۸، ص ۱).

خورشید در اهمیت علم و لزوم سواد برای همگان یاد آور شده است که مردم قدر انسانهای فهیم را نمی دانند و اگر کسی مردم را به اشتراک و خواندن جرائد تشویق کند «مانند حیوان

وحشی از استماع جرائد رم می کنند.» (محمد صادق تبریزی، «مکتوب از نواحی قوچان»، خورشید، سال اول، ش ۴، ص ۵).

به دلیل اهمیت یافتن تعلیم و تربیت نوین و نیاز به سواد آموزی همگانی و ایجاد مدارس جدید و رواج گسترش روزنامه نویسی به عنوان مهمترین رسانه ای که اخبار و اطلاعات را در کوتاه ترین زمان منتشر می کرد. این روزنامه ها در زمینه آگاهی رسانی در این زمینه نیز وظیفه خود را به خوبی انجام داده اند. خورشید معتقد است که این دوره، دوره ای است که در آن جهل و نادانی جایی ندارد، برتری انسانها جز در خرد و دانش نیست، و می گوید «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون،» (همان، «شکر نعمت، نعمت افزون کند،» خورشید، سال اول، ش ۵، ص ۱) هم چنین او معتقد است که دانش موجب حیات ابدی است و زندگانی سرمدی (همان) و «از آنجایی که حرکت ارادیه مسبوق به علم و تصدیق نفع است و فاعل مختار جز سوی غایت مقیده حرکت نخواهد کرد، پس تشکیل مدارس و قرائت خانه ها موقوف بر اطلاع بر فرایند و بر خوردن از ثمرات آنها.» (همان).

کوکب می گوید با وجود اینکه ما از بی علمی و بی دانشی خود این همه در جهان صدمه خورده ایم اصلاً متاثر نمی شویم. تمام سختی ها را تحمل می کنیم و ... اگر نداشتن علم است که ما محتاج نیستیم. خداوند کفار را برای آسایش وجود ما آفریده و پشت کله ی آنها زده که هر روز چیزی اختراع نمایند به مملکت ما آورده، بفروشند و ما فراغ البال مشغول عبادات و خیالات خودمان باشیم (ناظم الاسلام کرمانی، «انسان کامل، کوکب، سال سوم، ش ۹، ص ۳). همچنین کوکب راههایی را نیز پیشنهاد می کند که برای آگاهی اذهان عمومی واجب است.

۱ - خواندن روزنامه (تمدن - حبل المتین - عدالت - کوکب دری)

۲ - داشتن مدارس و معلمین دلسوز

۳ - ایجاد کارخانه ها

۴ - اینکه هر ملتی (شهری) امتاع خود را رواج دهند (همان، «مکتوب خلخال»، کوکب، سال سوم، ش ۱۸، ص ۴).

به دلیل اینکه این گونه مقاله‌ها در این روزنامه‌ها بسیار زیاد است و به منظور جلوگیری از اطاله کلام تعدادی از آنها را در پا نوشت می‌آوریم. این مطبوعات برای نخستین بار به زنان و تعلیم و تربیت آنان توجه خاصی نشان می‌دادند. آنها تحصیل علم و دانش را برای جامعه نسوان ضروری می‌دانستند، زیرا زن را اساس خانواده می‌دانستند. تحصیل زنان ورود آنان را به عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌طلبید ولی فرهنگ و جامعه‌ی آن روز ایران هنوز اجازه‌ی چنین فعالیتی را به زنان نمی‌داد. هم‌چنانکه در راه تاسیس مدارس دخترانه موانعی ایجاد می‌کردند البته زنان با حمایت تعدادی از روشنفکران و مطبوعات آزادیخواه تلاشهایی را آغاز کردند. که این تلاش‌ها زمینه اقدامات زنان در دوره‌های بعد شد. چنانکه خط مشی و چهار چوب تفکری روزنامه‌های (تمدن، کوکب درّی، خورشید) را همانا توجه به خواسته و مبارزات تازه‌پا گرفته زنان محروم و محکوم جامعه شکل داد. با اینکه اغلب نوشته‌های تاریخی باز مانده از آن زمان کم و بیش حاکی از نقش فعال زن در رویدادهای روزمره تاریخی و اجتماعی است و نام تنی چند از کوشندگان پر افتخار زن و مرد در این نوشته‌ها باقی است، به منظور هر چه پر بار تر کردن تاریخچه خون بار زن در تاریخ بیداری ایرانیان به خصوص مبارزاتی که زن ایرانی در نهضت مشروطه و مبارزه با استبداد و سلطنت ستم بار انجام داده است. نمونه‌هایی از مشارکت و حرکات اجتماعی آنها را با استفاده از مطالب این روزنامه‌ها ارائه می‌دهیم. با تاکید بر اینکه اینها فقط مبین گوشه‌ای از اقدامات متهورانه زنان است که در شماره‌های معدود چند روزنامه مندرج شده است. «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل» که از آن جمله می‌توان به نامه‌های اعتراض آمیز و کمک‌های مادی و معنوی در حق زنان اشاره کرد.

در این دوره گزارش‌های بسیار مهمی از حمایت‌های میهن پرستانه‌ی زنان در روزنامه انتشار یافت به طوری که زنان بیوه برای تامین سرمایه ضروری بانک و پرداخت پولهای بیشتر از یکدیگر سبقت گرفتند و در آمد و طلای خود را به مجلس اهدا کردند. در این روزنامه‌ها زنان ستایش شدند و مردان توانگری که سرمایه خویش را به بانک‌های اروپایی منتقل ساخته بودند انتقاد شد. «چه مردی بود کز زنی کم بود.» در مقاله‌ای در روزنامه کوکب تحت عنوان «فتوت مردانه دخترهای فارس» از کمک‌های زنان شیرازی و خصوصاً دختری ده ساله که تمام چیزی را که داشته که عبارت از چند پول زرد بوده با اجازه مادرش برای کمک به بانک ملی هدیه کرده است و هدفش را از انجام کارش نجات وطن مقدس می‌داند (ناظم الاسلام کرمانی، «فتوت مردانه دخترهای فارس»، کوکب، سال اول، ش ۸، صص ۵ - ۴). هم‌چنین در خورشید

در مقاله ای تحت عنوان «بانک ملی» از فروش دستبند و گوشواره برای سهام بانک ملی زنان را در جرگه مردان سر بلند سرافراز می داند(محمد صادق تبریزی، «بانک ملی»، خورشید، سال اول، ش ۱۰، ص ۱).

«زیاد زنده بمانید خیلی نیک بختی و افتخار کمینه خواهد بود که این اشیاء ناقابل را مخصوصاً در دارالشورای مقدس ملی به وکلا محترم ملت حراج فرمائید و قیمت هر چه شد اسناد بانک بخرند که ذخایر ناقابل کمیته پیرایه وجود بستگان ملت باد.» (همان، «خیر النسوان قزوین»، خورشید، سال اول، ش ۴، ص ۱).

یکی از مسائل و مشکلات جامعه و به خصوص زنان مشروطه مساله فروش دختران قوچانی بود. آصف الدوله حاکم خود رای و حریص قوچان که از گردآوری مالیات از روستائیان تهدیست عاجز مانده بود. دختران کشاورزان را به ترکمن ها و ارمنی هایی که در آن سوی مرز ایران و در عشق آباد می زیستند می فروخت. خورشید از رواج فسق و فجور و مورد تهید قرار گرفتن ارزش های اخلاقی در این شهر سخن می گوید(همان، «وقایع دره جز»، خورشید، سال اول، ش ۱۱، صص ۶-۵) شرف مرد ایرانی و حرمت او در کشورش و نیک نامی و حیثیت او چیزی بود که همواره به وسیله ی پاکدامنی و نگهداری زن در خانه اندازه گیری می شد. اگر زن ایرانی در خانه رفتاری غیر اخلاقی پیش می گرفت در این صورت این پدر و شوهر و برادر او بودند که سر افکنده و بی اعتبار می گردیدند. اما اینک زن ایرانی از سوی حکام مستبد و عوامل بیگانه چون روس ها و ترکمن ها و ارمنی ها مورد بی حرمتی قرار می گرفتند و از این رو بر مردان ایرانی فرض بود که بر خیزند و از اهانت به شرف ملی خویش جلوگیری کنند(همان) همچنین در شماره ای از کوکب در مقاله ای تحت عنوان «نامه ای از نسوان شهر بابک» درج شده است که: «آیا ما پا شکستگان مسلمان نبودیم؟ آیا ما ناموس برادران نوعی شما نبودیم؟ آیا عرض و ناموس ما بیچارگان عرض و ناموس ملی و وطنی و مذهبی شما نیست؟ کجاست قرار اسلامیت؟ کجاست غیرت هم وطنی؟ آیا قصاص کردند؟ محاکمه فرمودند؟ به عرض رسیدند...» (ناظم الاسلام کرمانی، «مکتوب نسوان شهر بابک»، کوکب، سال اول، ش ۳۲، ص ۳).

عده ای از کسانی که دارای حس وطن پرستی بودند. سعی می کردند دوباره آنان را از بیگانگان خریداری کرده و به خانواده هایشان مسترد دارند و اسم این کار را استرداد شرف و ناموس می

دانند و آن را بر هر ایرانی واجب می‌دانند (همان، «استرداد شرف»، کوکب، سال اول، ش ۱، ص ۶). حتی تمدن علت تمام این کارها را از بی قانونی می‌داند (مدبر الممالک هرندی، «قانون»، تمدن، سال اول، ش ۸، ص ۴). هم چنین آموزش زنان در این روزنامه‌ها باز تاب فراوانی داشت که باز به منظور جلوگیری از اطاله کلام عنوان تعدادی از آنها در پا نوشت آورده می‌شود (همان، «مکتوب یکی از نسوان»، تمدن، ش ۱۵، صص ۳ - ۲. همان، «مکتوب یکی از مخدرات»، ش ۱۲، صص ۴ - ۳. ناظم الاسلام کرمانی، کوکب، ش ۷، ص ۶. همان، «فتوت مردانه»، ش ۳۱، صص ۲ - ۱. همان، «اتفاق»، ش ۲، ص ۴).

هم چنین وطن‌گرایی و درک مفهوم جدیدی از وطن در این دوره مورد توجه روزنامه‌نگاران بود. به طوری که نه تنها تمدن و کوکب دری، بلکه حتی خورشید که در مشهد چاپ می‌شد به این مساله اهمیت زیادی می‌دادند و از مردم می‌خواستند که برای سر بلندی و داشتن کشوری مستقل باید از اقدامات مجلس حمایت کنند و وکلای انتخابی خود را به مجلس بفرستند تا آنها هم بتوانند برای پیشرفت کشور اقداماتی انجام دهند. وطن دوستی (ناسیونالیسم) به معنی داشتن کشوری با مرزهای مستقل مورد توجه این روزنامه‌ها نیز قرار گرفت.

گرگ اجل یکایک از این گله می‌برد وین گله را نگر که چه آسوده می‌چرد

عجب در این است با این که امروز رشته نجات این کشتی به مویی آویخته و به کلی تار و پودش از هم گسسته، مشرف به غرق است، ساکنین کشتی به طوری مست باده ی جهل و خواب غفلتند که هیچ به فکر نجات خویش نیفتاده، و اگر احیاناً حرکتی نمایند حرکتی است که ممد بر اهلاک و اتلاف خویش است و به عوض اینکه یک دل و یک جهت شوند به قوت تدبیر و قدرت اتفاق خود را از مهلکه مستخلص نمایند، هر یک تیشه بر داشته و به جان این کشتی شکسته افتاده و در تقسیم و تسهیم اسباب و آلات آن نزاع و جدال دارند و به طوری با امنیت و آسایش به هم آویخته و در هم ریخته اند که نه از طوفان و نه از دریا و نه از فنا و نه از زوالشان خبری نیست. (ناظم الاسلام کرمانی، «ترقی و نجات»، کوکب دری، سال اول، ش ۶، ص ۶).

همچنین تمدن در شماره ای علت پیشرفت های روز افزون اروپائیان و بدبختی و فشاری که بر ایرانیان حاکم است را فقط در بی علمی، بی حسی، خرافات، عقاید مهمله و... می داند(مدبر الممالک هرندی، «لازمه و افتخار حیات مدنی»، تمدن، ش ۷۸، سال اول، ص ۲) و باز در شماره ای دیگر تاکید می کند که «باید ببینیم که علت این همه ذلت و خفت ما چه بوده، باعث این همه پریشانی و انحطاط ما چه گردید همین غفلت و بی اطلاعی ما شد که هر چه خواستند پیش خود تهیه کردند و ما را یک مرتبه در چاه افکندند آیا غیر از این شد که روسای پیش ما چشم و گوش خود را بستند و به هیچ طرف توجهی نکردند و...» (همان، «باید تعجیل کرد»، تمدن، سال اول، ش ۳۳، ص ۳).

کوکب معتقد است که «بر هر قسمتی از تقسیمات مملکت کسانی که داخل در فن مخصوص در ملزومات ملکی هستند و اطلاع و بصیرت بر حالت آن قسم دارند لازم است اگر چیزی به نظرشان رسد و مربوط به پیشرفت و فوائد آن هیئت و مصالح امور مملکت باشد، به عرض برساند شاید بدان وسیله اقدامی در نواقص شود که هم مفید به حال عموم مملکت باشد و هم اسباب آسایش بدان واسطه فراهم آید.» (ناظم الاسلام کرمانی، «عقل زور می خواهد»، کوکب، سال اول، ش ۲۵، ص ۱).

«اختلال و اوضاع و احوال امروزه مملکت ما را پایه و مایه به اندازه و میزانی رسیده که ذمه فرد فرد این ملت را همین استعلاج و ارائه طریق اصلاح آن است چه با وضوح معایب و مفساد امروزه آنی غفلت کردن و از طریق علاج دوری جستن راه انصاف و طریق صواب نیست. پس بایستی فرد فرد ملت هر یک به قدر وسع خود هر چه در خاطر مایه اصلاح این اختلال پنداشته به منصفه بروز و ظهور در آورده سایرین را بر آن واقف ساخته تا به تبادل افکار امراض مذمنه علاج پذیرد.» (مدبر الممالک هرندی، «تبادل افکار»، تمدن، سال اول، ش ۷۲، ص ۱).

کوکب معتقد است که امروز در روی کره زمین بدبخت تر و جاهل تر از ما احدی نیست. سایر دول و ملل تا یک درجه حقوق بشریت را دارا می باشند و روز به روز میلشان به ترقی وطن است. ولی ایرانیان مظلوم هر روز سخت تر از روز قبل برایشان پیش می آید. سبب این همه خرابی همانا کیفر کردارهای ناشایست خودمان و نتایج تنبلی و غفلت و بی اطلاعی و جهالت است(ناظم الاسلام کرمانی، «تاریخ بیداری و ظهور ایرانیان»، کوکب، سال اول، ش ۱۲، ص ۸). تمدن کشتی سعادت و ترقی کشور را در حال حاضر به چهار چرخه ای تشبیه می کند که از

اطراف بدو چسبیده، هر کسی به سمت خود می کشد. از این رو ابدأ حرکت نکرده و از جا نجنبیده به حال خود مانده. ما دامی که در مملکت ما حدود و وظایف مختل باشد امید بهی و بهبودی داشتن خلاف عقل است(مدبر الممالک هرندی، «ما چیستیم؟ از برای چه زیستیم؟»، تمدن، سال اول، ش ۲۲، ص ۲).

در این روزنامه ها بارها می خوانیم که همه مردم در مقابل جامعه مسئولند و بر عموم هم وطنان غیرتمند واجب است که هر چه در باب پیشرفت وطن لازم می دانند بنویسند. هر چیزی که نافع به حال مردم باشد و یا هر چیزی که مضر به حال مردم باشد(محمد صادق تبریزی، «وطن گرایی»، خورشید، سال اول، ش ۹۲، ص ۱). بعد از مطرح کردن امنیت جانی و مالی برای مردم یک کشور مساله مهم دیگری که در پیشرفت یک مملکت مهم است پول بیان می شود که: «امروزه این پول آدم غیر لایق ناقابل را لیاقت بخشیده، بر مقام عالیش می نشاند، ایا آنکه خیانت های چندین ساله را پرده پوشی نموده، امروزه او را وطن خواه جلوه و نمایش می دهد، امروز در ممالک آباد هر قدر آبادی و ترقی ملاحظه شود، علتش پول است.» (مدبر الممالک هرندی، «پول!! پول!!»، تمدن، سال اول، ش ۵۷، ص ۳).

هم چنین خورشید یکی دیگر از راههای پیشرفت وطن را همیت و غیرت و اتحاد مردم می داند در مقابل نیروهای اجنبی و در دفاع از حملات آنها(محمد صادق تبریزی، «برادران وطن وقت همت است»، خورشید، سال اول، ش ۵۱، ص ۲). همچنین پیشرفت وطن را در گرو علم و آگاهی می داند و علت خرابی مملکت نادانی امت و علت نادانی مردم را سکوت دانشمندان و علما می داند که واقعیت ها را نمی گویند و بیان نمی کنند. علت نادانی مردم این است که هیچ وقت از واقعیت خبر نداشته اند. این وظیفه دانشمندان و نویسندگان است که واقعیت ها را مو به مو برای مردم شرح دهند تا مردم بتوانند مملکت خود را آباد کنند(همان، «ملت از ارباب جرائد چه می خواهد»، خورشید، سال اول، ش ۵۲، ص ۲). در این جا نیز نمونه هایی از این گونه مقالات را در پا نوشت برای آگاهی بیشتر ذکر خواهیم کرد.^۱

^۱ - همان، «از اینجا رانده، از آنجا مانده»، ش ۹، ص ۱. همان، «ترقی وطن»، ش ۵۳، ص ۴. همان، «بیداری ملت»، ش ۵۰، ص ۲. همان، «اعدولهم ما استطعتم»، ش ۱۰۹، صص ۳-۲. همان، «راه آبادی با اقتضاء طبیعت مملکت»، ش ۹۴، ص ۱. همان، «ریاست تجارت خراسان»، ش ۳۱، ص ۱. همان، «انجمن ایالتی»، ش ۸۹، ص ۲. همان، «بانک ملی»، ش ۱۱، ص ۸. مدبر الممالک هرندی، «تجارت»، تمدن، سال اول، ش ۲۶، صص ۳-۲. همان، «تمدن»، ش ۵۵، ص ۳.

امضای فرمان مشروطیت در واقع دستاورد نهضتی سیاسی و اجتماعی بود که بیشتر از آن در اثر بیداری جامعه ی ایرانی تحت تاثیر عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاصل شده بود. می توان گفت که چهره فرهنگی جامعه ایران در آستانه ی مشروطیت کاملاً تغییر یافته بود. به ویژه گروهی از تحصیل کردگان از طریق مطبوعات و آثاری که منتشر می کردند به جریان نوگرایی اجتماعی و فرهنگی سرعت بیشتری می بخشیدند و ضرورت آشنایی مردم را با پدیده های نو و مظاهر فرهنگ جهانی که با شتاب رو در ترقی و پیشرفت داشت، بیش از پیش یاد آوری می کردند.

اقداماتی اصلاحی عباس میرزا موجب افزایش عده آگاهان و کسانی که به وقایع کشوری و بین المللی علاقه ای داشتند، گردید و نیز بین روحانیون و تجار و بازاریان نوعی انتباه پدید آورد. این عده رفته رفته تشنه اطلاعات و اخبار و حوادث داخلی و خارجی شدند و این عوامل هسته ی اولیه ی روزنامه نگاری را در ایران تشکیل داد.

در آخرین ربع قرن نوزدهم روزنامه به عنوان یک وسیله ی ارتباط جمعی با تغییرات اجتماعی و تحولاتی که در ایران به وجود می آمد همراه شد. برای اولین بار قدرت روزنامه نگاری دست به دست گردید. یعنی از دست دولتیان به مردان جدید انتقال پیدا کرد به عبارت دیگر از مردان مطلقه به مردان انقلابی و آزادی خواه منتقل گشت و ایران به چنان مطبوعات جدید و ملی رسید که توسط روشنفکران مترقی و انقلابی اداره می شد. این مطبوعات نو به حکومت قاجار حمله و از وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران انتقاد کرد. هر چه مطبوعات بیشتر جرأت نشان داد رهبری تحولات اجتماعی را به دست گرفت. حکمران قاجار تا حدودی آرامش پیدا کرد. روزنامه نگاران به پیروزی رسیدند و در این نظام پارلمانی پدید آمده آزادی مطبوعات از شمار آزادیهای اسای مسجل گردید(به نقل از عبدالرحیم ذاکر حسین، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطه، حمید مولانا، ارتباطات اجتماعی در ایران، صص ۵ - ۹۴).

همان، «وطن»، ش ۴۰، ص ۳. همان، «حمایت از کالای وطنی»، ش ۶، صص ۳ - ۲. همان، «علو همت مردانه»، ش ۴، ص ۱. ناظم الاسلام کرمانی، «اتفاق»، کوکب، سال اول، ش ۷، صص ۲ - ۱. همان، «خطابه»، ش ۲۷، ص ۲. همان، «نامه پرنس ارفع الدوله»، ش ۳۷، ص ۱. همان، «راس الفضائل العلم»، ش ۲، ص ۴.

«از انقلاب کبیر فرانسه به بعد در هر کشوری و در هر دوره ای هر کجا که خفقان طولانی سیاسی رخت بر بست و یا هیجان عمومی چهره شد. شمار رسانه های گروهی افزایش شگفت آور یافت. در ایران نیز تدوین قانون اساسی پگاه رهایی از خود کامگی بود و نوید آزادی گفتار و نوشتار می داد از این رو یکباره موجی از روزنامه های عقیدتی و خبری کشور را فرا گرفت و تا آغاز رودر رویی نهایی استبدادیان و مشروطه خواهان از بالش و فزونی نایستاد.» (عبدالرحیم ذاکر حسین، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ص ۵۳).

همکاری و هماهنگی رهبران انقلابی و آزادی خواهان و روزنامه نگاران و کسانی که به طور کلی از وضع ایران ناراضی بودند و برای مبارزه علیه استبداد آمادگی داشتند محیط بسیار مساعدی برای شکفتن مطبوعات و روزنامه نگاران پدید آورده بود. در محافل روشنفکرانه و رهبران انقلابی تفکیک روزنامه نگاری و رهبری انقلاب به سختی امکان داشت. خصایص انقلابی و نویسندگی و آزادی خواهی در همه دیده می شد (همان، صص ۵۰ - ۴۹).

هر سه روزنامه های تمدن، کوکب دَری، خورشید از روزنامه های روشنگر صدر مشروطه بودند که سر دبیری و گردانندگان آنها انسانهای وطن دوست و آزادی خواهی بودند که برای نجات وطن از چنگال استبداد تلاش می کردند. بنابراین خط مشی این سه روزنامه تقریباً شبیه به هم بود. ولی با وجود تمام شباهت هایی که بین این سه روزنامه وجود دارد، باز هم هر کدام دارای ویژگی های خاص خود می باشند. تمدن در چهار صفحه چاپ می شد و با زبان تند و انقلابی مدبر الممالک سعی در روشنگری افکار داشت. تمام مقالات مربوط به قانون، وطن پرستی، آزادی خواهی، همه و همه بسیار تند بیان می کرد. به نظر می رسد مدبر الممالک که زبان تند و تیزی داشت و حتی بارها به خاطر همین موارد مورد عتاب و سرزنش قرار گرفته بود، سعی می کرد در بیان افکارش هیچ گونه ملایمتی به خرج ندهد. اما کوکب دری که توسط یک مورخ برجسته چون ناظم الاسلام کرمانی نگارش می یافت، هر چند انقلابی بود ولی زبانش به تندی و گزندگی تمدن نبود و سعی می کرد هر مشکل و مساله ای را با نشان دادن راهکاری توضیح دهد. شاید این بدان علت بود که ناظم الاسلام مسائل را ریشه یابی قوی تری می کرد و به طور کلی خط مشی متعادل تری داشت. خورشید که در مشهد تحت تسلط روسها و مخالفان مشروطه بود، سعی می کرد که بیشتر محافظه کاری کند. حتی با وجود همین محافظه کاریهای چند بار روزنامه توقیف شد و محمد صادق تبریزی مورد عتاب و سرزنش قرار گرفت

اما به هر حال آنچه از محتوای این سه روزنامه فهمیده می شود خط مشی روشنگرانه و انقلابی آنهاست که در آنها تجلی یافته است و توانستند چراغی فرا راه آینده بگشایند.

در اثر روشنگری های این مطبوعات صدر مشروطه است که مردم بالاخره متوجه شدند که ایرانی است که باید به فکر مملکت خود باشد و استقلال آن را حفظ کند و می تواند آن را به سعادت و نیک بختی برساند. اما تمام این روزنامه ها به علت روشن کردن افکار عموم مردم مورد توجه و علاقه مستبدین نبودند و مستبدین وجود آنها را بر نمی تافتند. بنابراین با شروع استبداد صغیر همه ی آنها مجبور به توقیف و صاحبان آنها تبعید و زندانی گشتند. اما افکار و اهداف آنها هم چنان باقی ماند و در دوره های بعد مورد توجه آزادی خواهان قرار گرفت.



الف: کتابها

- ۱ - آرين پور، يحيى، از صبا تا نيما، ۳ جلدی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۲.
- ۲ - پروين، ناصر الدين، تاريخ روزنامه نگارى ايرانيان و ديگر پارسي نويسان. ۲ جلدی، چاپ اول، بحران آزادی، تهران: مرکز نشر دانشگاه، ۱۳۷۹.
- ۳ - ذاکر حسين، عبدالرحيم، مطبوعات سياسی ايران در عصر مشروطيت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۴ - صدر هاشمی، محمد، تاريخ جرايد و مجلات ايران، اصفهان، کمال، ۱۳۶۳.
- ۵ - محيط طباطبائی، محمد، تاريخ تحليلی مطبوعات ايران، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۶۰.

ب: جرايد

- ۱ - حبل المتين تهران، ش ۴۷، سال دوم، ۱۱ جمادى الاول، ۱۳۲۶.
- ۲ - مجلس، ش ۳۸، سال دوم، ۲۷ ذی الحجه، ۱۳۲۵.
- ۳ - تمدن، تمام شماره های سال اول.
- ۴ - کوكب درى، تمام شماره های سال اول.
- ۵ - خورشيد، تمام شماره های سال اول.